

دولت تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

غلامرضا مهربان*

چکیده

دولت یکی از ضروری‌ترین نیازهای جوامع امروزی و هسته اصلی حیات سیاسی نوین به شمار می‌رود. اهمیت دولت در علم سیاست به اندازه‌ای است که برخی آن را موضوع اصلی علم سیاست می‌دانند. با تمام اهمیت و کارکردی که دولت در علم سیاست و جامعه دارد؛ اما متأسفانه علوم سیاسی ما به خاطر ضعف در مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی نگاه روشنی به دولت ندارد و در این زمینه خلأ وجود دارد؛ از این رو تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌های متفکران اسلامی درباره دولت، می‌تواند از خلأ موجود بکاهد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی دولت از منظر مقام معظم رهبری پرداخته شده و دیدگاه‌های ایشان درباره دولت با استفاده از چارچوب نظری علل اربعه در یک الگوی مفهومی نظم یافته‌اند. به نظر می‌رسد نظرات ایشان در این باب از هماهنگی لازم برخوردار است و ایشان دولت مطلوب و تراز انقلاب اسلامی را «دولت اسلامی» می‌داند که مبانی، منابع، شکل، کارگزاران، نهادها، وظایف و اهداف متناسب با خود را دارد.

واژگان کلیدی: دولت، علل اربعه، دولت اسلامی، مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی.

*. دکتری علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع): mehraban9754@gmail.com

مقدمه

دولت یکی از ضروری‌ترین نیازهای جوامع امروزی است که جایگزینی برای آن نمی‌توان یافت. دولت به عنوان «هسته اصلی حیات سیاسی نوین مسلماً عضو ساده زائدی نیست که بتوان به حذف آن نظر داد.» (اوزر، ۱۳۸۹، ص ۱) اهمیت دولت در علم سیاست به اندازه‌ای است که برخی آن را موضوع اصلی علم سیاست می‌دانند (برزگر، ۱۳۸۵، ص ۷) دولت به منزله ابزاری در خدمت تلاش هدفمند انسان برای تنظیم امر سیاسی، یکی از عظیم‌ترین دستاوردهای بشری به شمار می‌رود که سرشت آن گویی با نیروها، قدرت‌ها و نهادها عجین شده است. بی‌شک گذر از دوران بی‌دولتی به عصر دولت‌های بزرگ، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی تمدن انسانی و تحقق حقوق مدنی ایفا کرده است، آن‌سان که می‌توان گفت جوامع بشری بدون وجود دولت‌ها هرگز نمی‌توانستند منزلت امروزی را بیابند (توحیدفام، ۱۳۸۱، ص ۱) با تمام اهمیت و کارکردی که دولت در علم سیاست و جامعه دارد؛ اما متأسفانه علوم سیاسی ما به‌خاطر ضعف در مفهوم و اندیشه، نگاه روشنی به دولت ندارد. نه دانش‌آموختگان علوم سیاسی متخصص دولت می‌شوند و نه حتی در سطوح مختلف دانشگاهی به درس دولت توجه لازم می‌شود. از همین روی خلأ وجود متفکر و متخصص دولت در عرصه سیاسی جمهوری اسلامی محسوس است؛ بنابراین به نظر می‌رسد در این زمینه باید تلاش‌های جدی صورت بگیرد و با تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌های متفکران اسلامی از دامنه نواقص مزبور کاسته شود. در همین راستا مقاله حاضر درصدد بررسی دیدگاه مقام‌معظم‌رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در مورد دولت برآمده است. علاوه بر صاحب‌اندیشه بودن ایشان، نقش مؤثر او در ایجاد، استقرار و استمرار دولت در دوران پیچیده ایران بعد از انقلاب اسلامی، بر اهمیت بررسی اندیشه‌های ایشان در زمینه دولت می‌افزاید.

بدین‌ترتیب سؤال اصلی این نوشتار این است که: «از نظر آیت‌الله خامنه‌ای ماهیت، انواع، سازوکار و اهداف دولت تراز انقلاب اسلامی چیست؟ در پاسخ به این سؤال با استفاده از چارچوب نظری علل اربعه اندیشه‌های ایشان درباره دولت بررسی می‌گردد؛ و تلاش شده برای تمامی مطالب، کدها و ارجاعات روشنی از بیانات و مکتوبات ایشان ارائه شود؛ از این‌رو ابتدا به توضیح چارچوب نظری تحقیق و مفهوم‌شناسی پرداخته شده و سپس



علل اربعه دولت از منظر ایشان مورد کنکاش قرار گرفته است.

در این تحقیق با استفاده از چارچوب نظری علل اربعه، تمامی مطالب و یافته‌های مربوط به موضوع تحقیق در یک الگوی مفهومی منسجم نظم یافته‌اند. در اینجا به‌طور مختصر پیرامون چارچوب نظری مذکور توضیحاتی داده می‌شود. چارچوب نظری علل اربعه از فلسفه اسلامی اخذ شده است. از منظر فلاسفه هر معلول و ممکن نیازمند علت است. در یک تقسیم‌بندی علت به چهار قسم تقسیم می‌شود. تقسیم علت به علل اربعه - فاعلی، غایی، مادی، صوری - از تقسیمات ارسطویی است. اگر فاعل را انسان فرض کنیم، فاعل خود انسان است که علت ایجادکننده فعل است. غایت یا علت غائی همان چیزی است که انسان فعل را به‌خاطر رسیدن به او انجام می‌دهد و البته غایت از آن جهت علت شمرده می‌شود که مکمل و متمم علت فاعلی است؛ زیرا تصور غایت است که اراده انسان را برمی‌انگیزد و انسان را که در حد فاعل بالقوه است به حد فاعل بالفعل می‌رساند. صورت، همان فعلیت و حالتی است که انسان به ماده خارجی می‌دهد و آن همان است که معلول واقعی علت فاعلی است. ماده، عبارت است از آن چیزی که صورت را قبول می‌کند و فعلیت را می‌پذیرد (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۶۹۱) به یک معنا، وقتی از فلسفه پدیده‌ای که نبوده و به وجود آمده است، پرسش می‌کنیم، درواقع، از این چهار علت سؤال کرده‌ایم (لک‌زایی، ۱۳۸۹، ص ۸) از این منظر، هرگاه از فلسفه «دولت» پرس‌وجو کنیم، چهار پرسش زیر مدنظر است:

۱. علت مادی دولت چیست؟

۲. علت صوری دولت چیست؟

۳. علت فاعلی دولت چیست؟

۴. علت غایی دولت چیست؟

برای اینکه پرسش‌های فلسفی مذکور به ادبیات رایج در متون سیاسی نزدیک شود. می‌توانیم این پرسش‌ها را به ترتیب به این شکل نیز مطرح کنیم:

۱ - مبانی و منابع ایجاد دولت چیست؟

۲ - انواع دولت چیست؟

۳ - افراد، کارگزاران، نهادها و سازمان‌هایی که شایستگی دارند ایجاد دولت و انجام امور آن به آنها سپرده شود، چه شرایطی دارند؟

۴ - هدف از ایجاد دولت چیست؟

در مباحث پیش رو با بهره‌گیری از چارچوب نظری فوق که برگرفته از فلسفه اسلامی است، دیدگاه مقام معظم رهبری درباره دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی دولت

گفتنی است که متفکران و پژوهشگران سیاسی در مورد تعریف دولت توافق نظر ندارند. اختلاف نظر پیش از هر چیز به گوناگونی اندیشه‌ها در مورد سرشت دولت که بر تعریف‌ها اثر می‌گذارد، مربوط است. درحالی‌که برخی از متفکران سیاسی دولت را در اساس یک ساختار طبقاتی می‌دانند، دیگران بر این اندیشه‌اند که دولت فراتر از طبقات و نمایانگر کل اجتماع است. عده‌ای آن را نظام قدرت می‌دانند، دیگران نظام رفاه. برخی آن را تضمین‌کننده زندگی جمعی می‌دانند درحالی‌که عده‌ای آن را نهادی اخلاقی می‌دانند که از رفاه و تأمین اخلاقی انسان جدایی‌ناپذیر است. برخی آن را از دیدگاه حقوق محض به مثابه اجتماعی تلقی می‌کنند که طبق قانون سازمان یافته است و برخی آن را با خود ملت یا جماعت یکسان می‌دانند. عده‌ای بر جنبه ساختاری آن تأکید دارند و برخی دیگر بر جنبه کارکردی آن (عالم، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴) همچنین مفهوم دولت به معانی مختلفی اطلاق می‌شود. مفهوم دولت به معنای اعم، نظام سیاسی و رژیم حاکم بر هر کشور را در برمی‌گیرد که شامل جمعیت، سرزمین، هیئت حاکمه و حاکمیت سیاسی می‌شود. دولت به معنای عام شامل هیئت و نهاد حاکمه می‌شود که خود متشکل از نیروها و نهادهایی است، به این معنا هر سه قوه را در برمی‌گیرد و شخصیت حقوقی محسوب می‌گردد. دولت به معنای خاص، شامل قوه مجریه می‌شود و دولت به معنای اخص، هیئت وزیران یا کابینه را در برمی‌گیرد. به کارگیری واژه «دولت» برای این مفاهیم چهارگانه بدون مشخص کردن مفهوم مورد نظر یکی از مشکلات عرصه سیاست است که در موارد بسیاری پیامدها و آثار منفی را به دنبال دارد. بدون ورود به مناقشاتی که در زمینه تعاریف و مفاهیم دولت در بین متفکران علم سیاست وجود دارد، در اینجا به کاربری‌های مفهومی دولت در بیانات



مقام معظم رهبری می‌پردازیم. ایشان در برخی از بیانات خود، دولت را به معنای خاص، یعنی قوه مجریه، به کار برده‌اند. به عنوان نمونه در بیانات خود در مراسم بیعت وزیر کشور به همراه معاونان، مشاوران و استانداران می‌فرماید: «استاندار باید محور کل استان باشد ... از فرصت‌های گوناگون استفاده کنید و به عنوان نماینده دولت با مردم حرف بزنید.» (حسینی‌خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۳/۱۹، ص ۲۶) و یا «امروز، رئیس‌جمهور و دولت و نمایندگان مجلس و رهبری متعلق به مردم‌اند.» (همان، ۱۳۸۰/۰۴/۱۸، ص ۱۵۳) در هر دو مورد دولت به معنای قوه مجریه به کار رفته است. همچنین ایشان دولت را به معنای عام به طور مکرر به کار برده‌اند. در این معنا دولت شامل نیروها، نهادها و سه قوه اصلی کشور می‌شود. در این باره می‌فرماید: «در مجموعه دستگاه دولت، دولت به معنای عام، یعنی مجموعه دستگاه حکومت، اعم از قوه مجریه، قوه قضائیه و دستگاه‌هایی که هر کدام به نحوی در کار اداره کشور دخالت دارند باید این احساس وجدانی درونی جهت‌گیری به سمت آرمان‌های اسلامی، همواره زنده باشد.» (همان، ۱۳۸۰/۰۶/۰۱، ص ۱۹۱) خطاب به مسئولان و کارگزاران قوای مختلف نظام اسلامی می‌گویند: «به‌طور کلی وظایفی به عهده ماست، هم ما به عنوان دولت و حکومت، هم ما به عنوان یک فرد مسلمان ... البته در حکومت حق، در آنجایی که قدرت در دست بندگان خدا، مؤمنین بالله و مؤمنین به سبیل الله قرار دارد، این وظیفه سنگین‌تر است. چرا؟ چون توانایی شما به عنوان جزئی از مجموعه حکومت دولت، با توانایی فردی مثل شما در بهترین حالات حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست.» (همان، ۱۳۸۰/۰۹/۰۷، ص ۱۳۴ و ۱۳۶) در عبارات مذکور به کاربری دولت در معنای عام تصریح شده است و مخاطب بودن کارگزاران و مسئولان نظام از نهادها و قوای مختلف، قرینه‌ای مضاعف بر آن است.

مطلب دیگری که درباره مفهوم دولت باید بدان اشاره شود اینکه دولت یک مفهوم انتزاعی و کلی فراتر از اجزای خود دارد. چنانچه در تعریف و تبیین معنای دولت آورده‌اند، ساخت قدرتی که در سرزمین معین، بر مردمانی معین تسلط پایدار دارد، این ساخت قدرت به صورت نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، قضایی و نظامی فعلیت می‌یابد (آشوری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲ و ۱۶۳) مقام معظم رهبری در برخی بیانات خود دولت را به عنوان یک مفهوم

انتزاعی و کلی فراتر از افراد و نهادها به کار برده‌اند. به نمونه‌هایی از چنین استعمالی از مفهوم دولت اشاره می‌شود. «امام در تمام مدت ده‌ساله اصرار داشتند که مردم باید از دولت و مسئولان دولتی و قوه مجریه و قوه قضائیه حمایت کنند.» (حسینی‌خامنه‌ای، ۶۸/۰۷/۱۲، ص ۲۸۲) «این معنی ندارد که اگر کمبود و ضعفی در کار دولت و در بخشی ایجاد شده، کلیت دولت مورد اهانت قرار گیرد.» (همان، ۸۰/۰۵/۱۱، ص ۹۱) «کمک به دولت، کمک به کشور است؛ از هر جناحی می‌خواهد باشد. همه‌تان یادتان هست، دیدید که دولت‌های مختلف از زمانی که بنده این مسئولیت را داشتم، مورد حمایت من بودند. این معنایش این نبوده که من با سیاست‌های آن دولت‌ها در همه‌جا موافق هستم، نه، تصریح هم می‌کردم و می‌گفتم که با بعضی از سیاست‌هایشان در زمینه‌های مختلف موافق نیستم اما کلیت دولت‌ها را من همیشه حمایت کرده‌ام.» (همان، ۸۵/۰۷/۱۸، ص ۱۲۳) در عبارات مذکور به تصریح یا به کمک قرائن موجود در کلام، از دولت، معنایی کلی و انتزاعی مورد نظر است. به‌طور کلی می‌توان گفت، بیشترین کاربری «دولت» در سخنان مقام معظم رهبری در معنای عام آن است.

۱. علت مادی دولت

منظور از علت مادی، مواد و منابعی است که در ایجاد دولت مورد استفاده قرار می‌گیرند. مقام معظم رهبری در این زمینه اسلامی‌شدن دولت را مطرح می‌نماید و بر قوای انسانی تأکید فراوانی دارد. به عبارتی چون مواد تشکیل‌دهنده دولت را تعالیم، موازین و ضوابط اسلام تشکیل می‌دهد، بنابراین نیروی انسانی مورد استفاده به‌عنوان مواد سازنده دولت، باید از ظرفیت‌ها و صلاحیت‌های متناسب با دولت اسلامی برخوردار باشد. درواقع این همان بحث انسان‌شناسی است که پایه و اساس بسیاری از مباحث در حوزه اجتماعی و سیاسی است. مقام معظم رهبری درباره معنای دولت اسلامی می‌گوید: «معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. این شعار، بسیار باارزش است.» (همان، ۸۴/۰۶/۰۸، ص ۱۵۶) ایشان با پذیرش مراتب مختلف برای دولت اسلامی، معتقدند که «دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان



انسان کامل تشکیل خواهد شد.» (همان) اما قبل از ظهور و تشکیل دولت اسلامی کامل توسط امام زمان علیه السلام، باید به قدر توان مراتبی از دولت اسلامی تشکیل شود، هرچند «همه ما انسان‌های ناقصی هستیم ... ما می‌خواهیم خود را به حدنصاب نزدیک کنیم.» (همان) ایشان با به‌کارگیری دولت در معنای عام، به قوای انسانی به‌عنوان مواد دولت اسلامی اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند: «دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است، نه فقط قوه مجریه، یعنی حکومت‌گران و خدمت‌گزاران عمومی، اینها باید جهت‌گیری‌ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مدّ نگاه خودشان قرار دهند و به‌سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند؛ این می‌شود دولت اسلامی.» (همان) سپس ایشان یک آسیب جدی که در شکل‌گیری دولت اسلامی اختلال ایجاد می‌کند را گوشزد می‌نمایند. «اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست، باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پویانده‌ای که لازم است تا دولت اسلامی به‌صورت کامل شکل بگیرد، دچار نُکس می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد.» (همان).

درواقع ایشان در عبارات اخیر به مواد و مصالح مطلوب و نامطلوب برای ایجاد دولت اسلامی اشاره می‌کنند. دولت اسلامی که عمل و جهت‌گیری نیروهای انسانی آن اسلامی نباشد، مانند ساختمانی است که با مواد و مصالح نامرغوب و سست ساخته شده باشد. مقام معظم‌رهبری با ارج‌نهادن به داشته‌های دولت اسلامی، همگان را به بیشتر اسلامی شدن و کسب نمودن مراتب بالاتری از دولت اسلامی فرا می‌خواند. «امروز دولت ما - یعنی مسئولان قوه مجریه، قوه قضائیه، قوه مقننه که مجموع اینها دولت اسلامی است - سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزش‌های اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست، اولش خود من، باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم.» (همان، ۸۳/۰۸/۰۶، ص ۱۷۵) وی با تبیین معنای اسلامی شدن در دنیای پیشرفته کنونی می‌گوید: «رفتن به سمت زندگی علوی، معنایش این نیست که اگر آن روز لُنگ می‌بستند و راه می‌رفتند، امروز هم لُنگ ببندیم و راه برویم، نه، امروز دنیا پیشرفته است. باید روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاک‌دامنی، بی‌پروائی در

راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - را در خودمان زنده کنیم؛ باید به سمت اینها برویم، این اساس کار ماست.» (همان) از دیدگاه مقام معظم رهبری ایجاد دولت با ویژگی «اسلامی» در یک زنجیره منطقی از فرایند تحقق اهداف انقلاب اسلامی قرار دارد. «یک زنجیره منطقی وجود دارد ... حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است.» (همان، ۹۰/۰۷/۲۴، ص ۲۹۱) ایشان معتقدند که «ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم، باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم.» (همان، ۸۳/۰۸/۰۶، ص ۱۷۵) در توضیح این مراحل می‌گویند: «فرایند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است ... قدم اول که پرهیجان‌تر و پرسروداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود، لیکن این آسان‌ترین است. قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود که این هم شده قدم بعدی - که از اینها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است ... ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل‌تر از مراحل قبلی است.» (همان، ۸۰/۰۹/۲۱، ص ۱۷۳) هرچند در عبارات بالا از اهداف سخن گفته شده است اما مکرر بر اسلامی بودن به عنوان ماده دولت و جامعه در همه مراحل تأکید شده است.

همچنین در زمینه مرحله سوم فرایند تحقق اهداف اسلامی می‌گوید: «بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد، یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه اسلامی، چون این در وهله اول فراهم نیست، به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند ... نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا، یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه ... اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آنگاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد.» (همان، ۷۹/۰۹/۱۲، ص ۷۹)



ص ۱۳۷) به هر ترتیب می‌توان گفت در دیدگاه مقام معظم رهبری در زمینه علت مادی دولت به معنای عام، به اسلامی بودن دولت و اسلامی شدن مواد انسانی دولت بیشترین توجه شده است.

۲. علت صوری دولت

منظور از علت صوری، انواع و سطوح مختلف دولت است. در بررسی علت صوری دولت بحث از اشکال و انواع مختلف دولت می‌شود؛ یعنی دولتی که ماده و محتوای آن اسلامی است، چه شکل و چه نوعی از انواع دولت را می‌تواند به خود بگیرد. به عبارت روشن‌تر چه نوع و چه شکلی از دولت متناسب با دولت اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری است. در اینجا به دو خصوصیت مهم در این زمینه می‌پردازیم.

الف) مکانیکی بودن دولت

از دیرباز درباره ماهیت و مفهوم دولت دو نظریه ارگانیکی و مکانیکی مطرح بوده است. نظریه ارگانیکی، نظریه‌ای عقلانی - طبیعی است، به این معنا که انسان با بهره‌گیری از عقل خود، نه به حکم اراده‌اش، نهاد طبیعی و مستقل دولت را درمی‌یابد؛ بلکه مانند خانواده و جامعه مدنی ارگانیسمی است که خود تحول و تکامل یافته و دارای غایات والاتر از غایات جزئی و فردی است. بر اساس این دیدگاه، جداکردن انسان، جامعه و دولت از یکدیگر نادرست تلقی می‌شود. قدرت دولت، دشمن آزادی فردی نیست؛ بلکه مهم‌ترین وسیله تضمین آن است. برخی از اندیشه‌گران حتی به تشبیه صوری میان ارگانیسم انسانی و دولت پرداخته‌اند که چنین تصوراتی البته مبالغه‌آمیزند (توحیدفام، ۱۳۸۱، ص ۴۸ و ۴۹) در مقابل نظریه ارگانیکی از دولت، نظریه مکانیکی قرار دارد. بر اساس برداشت مکانیکی، دولت حاصل عمل ارادی انسان است. در این تلقی، دولت از جامعه و فرد جدا می‌شود. به عبارتی، دولت برای انسان وجود دارد نه انسان برای دولت. نظریات مکانیکی اطاعت از دولت را با عملکرد آن توجیه می‌کنند که همچون ابزاری برای نیل به اهداف به کار می‌رود (همان، ص ۴۹) در فهم مکانیکی دولت، فرد سازنده دولت است، نه جزء دولت. انسان اهدافی دارد و برای رسیدن به آنها، مصنوعات دارد که یکی از آنها دولت است، بنابراین دولت ابزاری مصنوع انسان است برای نیل به اهدافی که مهم‌ترینش، امنیت و نظم است،

اگر این ابزار نتوانست اهداف موردنظر را محقق کند، تغییر می‌کند و یا اصلاحاتی در آن انجام می‌شود. مقام معظم رهبری به دولت نگاهی مکانیکی دارند. عباراتی همچون؛ «ایجاد دولت اسلامی»، «تشکیل دولت اسلامی»، «این [دولت اسلامی] در وهله اول فراهم نیست، به تدریج و با تلاش باید به وجود آید.» که از ایشان در مطالب پیشین آورده شد، همگی بر مصنوع بودن دولت و ساختن آن توسط انسان دلالت می‌کنند. همچنین ایشان دربارهٔ ابزاری بودن دولت برای نیل به اهداف و آرمان‌های الهی و قابلیت اصلاح و ایجاد تغییرات در آن می‌فرماید: «دولت اسلامی، یعنی سازوکارها و نهادهای لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی، اینها چرا، ممکن است کهنه شود. ممکن است اقتضائات در دنیا جوری بشود که این سازوکار، این هندسه نظام، کامل نباشد، مطلوب نباشد، لازم باشد عوض شود، هیچ اشکالی ندارد. نظام اسلامی این ظرفیت را دارد. اگر نظامی دنبال آن آرمان‌هاست، آن آرمان‌ها کهنه بشو نیست؛ اما سازوکارها، چینش این نهادهایی که می‌خواهد ما را به آن آرمان‌ها برساند، قابل نو شدن است؟ (حسینی‌خامنه‌ای، ۹۰/۰۷/۲۴، ص ۲۹۶) در این عبارات نگاه مکانیکی مقام معظم رهبری به دولت اسلامی به روشنی بیان شده است.

ب) حداقلی بودن دولت

امروزه دولتی با کارکردهای محدود را «دولت حداقل» می‌نامند که آن را در تقابل با «دولت حداکثر» مطرح می‌کنند (توحیدفام، ۱۳۸۱، ص ۲۳۴) دولت حداقلی، دولتی است کوچک که نقش نظارت و مدیریت را به عهده دارد و به اموری می‌پردازد که از عهده مردم و بخش خصوصی بر نمی‌آید. چنین دولتی نباید عهده‌دار وظایفی برای افراد شود که خود می‌توانند، انجام دهند مقام معظم رهبری به دولت نگاهی حداقلی دارد. ایشان در زمینه نقش مدیریتی و نظارتی دولت و سپردن امور به مردم می‌فرماید: «باید احساس همه مردم این باشد که این خانه، بایستی به دست صاحبان خانه - یعنی آحاد مردم - ساخته بشود و دولت هم مدیر و سرپرست این خانه است که باید برنامه‌ریزی بکند و کار هر کس و وظیفه هر مجموعه و قشری را معلوم بکند تا مردم بدانند تکلیفشان چیست و انجام بدهند.» (حسینی‌خامنه‌ای، ۶۸/۰۷/۲۸، ص ۳۱۱) ایشان در ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، از یک سو بر حاکمیت عمومی دولت، سیاست‌گذاری و نظارت آن به‌ویژه در مورد اعمال موازین شرعی و قانونی تأکید می‌کند و از سوی دیگر جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی را موردتوجه قرار



می‌دهد، به‌طوری‌که عنوان بند الف عبارت است از: «الف - سیاست‌های کلی توسعه بخش های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ‌شدن بخش دولتی» (همان، ۸۴/۰۳/۰۲، ص ۸ و ۹) ایشان در دیدار با مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانونی اساسی، در مورد آثار نامطلوب گسترده شدن دولت می‌فرماید: «باید مالکیت دولت را روزبه‌روز کمتر می‌کردیم. این‌طور نشد؛ بلکه بیشتر و گسترده‌تر شد و خیلی از درآمدهایی که باید در خدمت تولید، در خدمت گردش صحیح پول در جامعه قرار می‌گرفت، صرف کارهای غیرلازم شد؛ فعالیت‌های اسراف‌آمیز، ساختمان‌سازی‌های بی‌خودی؛ و حتماً به اقتصاد کشور لطمه خورد. به‌هرحال، این کار در این دو دهه نباید انجام می‌گرفت. واقعیت وضع کنونی این است: گستره عظیم مالکیت‌های دولتی، بعضاً برخلاف همان متن موجود اصل ۴۴» (همان، ۸۵/۱۱/۳۰، ص ۲۶۴) از دیدگاه ایشان دولت باید به وظایف راهبردی بپردازد و کارهایی را انجام دهد که بخش خصوصی انجام نمی‌دهد. «علاوه بر همه اینها [آفت‌های بزرگ‌شدن دولت] دولت وظایف سنگینی در حوزه‌های راهبردی، در فعالیت‌های جدید، سرمایه‌گذاری‌های فراوان در زمینه فناوری‌های پیشرفته دارد. کارهایی که بخش خصوصی به‌طور طبیعی انجام نمی‌دهد، اینها را باید دولت انجام بدهد و آینده کشور متوقف به اینهاست، مثل همین مسئله هسته‌ای.» (همان) از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره وظایف و کارکردهای دولت، مشخص می‌شود که از منظر ایشان دولت مطلوب دولتی حداقلی است که به مدیریت، نظارت و امور راهبردی می‌پردازد؛ بنابراین می‌توان گفت در زمینه علت صوری، از منظر مقام معظم رهبری، دولت مطلوب، دولتی از نوع مکانیکی و حداقلی است.

۳. علت فاعلی دولت

در علت فاعلی از شرایط و خصوصیات کارگزاران و نهادهایی بحث می‌شود که ایجاد دولت و انجام امور آن را به عهده‌دارند. علت فاعلی به دو بخش تقسیم می‌شود. بخشی افراد در نقش کارگزاران دولت و بخشی نهادها و سازمان‌ها هستند. قبل از بیان خصوصیات هر دو بخش، بیان یک نکته ضروری می‌نماید و آن اینکه بین علت صوری و مادی با علت فاعلی ارتباط برقرار می‌شود. به‌عنوان مثال برای ساختن صندلی با چوب (ماده) باید به نجار مراجعه کرد؛ اما برای ساختن صندلی با آهن (ماده) باید به آهنگر مراجعه نمود، یعنی

تفاوت در مواد موجب تفاوت در فاعل می‌شود. هر ماده‌ای، فاعل متناسب با خود را می‌طلبد. از همین‌جا روشن می‌شود وقتی ماده دولت از دین و شرع باشد و دولت اسلامی مطرح شود، بنابراین باید فاعل دولت دین‌شناس باشد به همین جهت تشکیل دولت از شئون رهبری و ولایت است. همچنین تمامی کارگزاران دولت اسلامی یا باید دین‌شناس باشند و یا لااقل از معلومات دینی و شرعی لازم در زمینه کاری خود برخوردار باشند، در غیر این صورت، علت فاعلی دولت اسلامی با علت مادی آن تناسب ندارد و کار دولت اسلامی به سامان نمی‌رسد و در عمل صدمه می‌بیند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، افراد باید از ویژگی‌ها و خصوصیات ایجابی و سلبی مختلفی برخوردار باشند تا صلاحیت کارگزاری دولت اسلامی را پیدا کنند. در اینجا به مهم‌ترین این ویژگی‌ها اشاره می‌شود.

۱. ویژگی‌های کارگزاران دولت اسلامی

الف) ویژگی‌های ایجابی کارگزاران دولت اسلامی

۱- برخورداری از تقوا: مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام می‌فرماید: «حرف اساسی و مهم در جمع ما این است که ما به مسئولیت خود که بسیار خطیر و سنگین و درعین حال باارزشی است، بیندیشیم، آن را پاس بداریم و از عهده آن برآیم و این فقط با رعایت تقوای الهی امکان‌پذیر است. ما بیش از همه مردم به تقوا احتیاج داریم، چون مسئولیت‌مان سنگین است و بخشی از اقتدار ملی در اختیار ماست. اگر تقوا نباشد، این اقتداری که متعلق به ملت است و گوشه‌ای از آن در اختیار هر یک از افراد جمع حاضر است، ممکن است در راه و جای درست خود مصرف نشود؛ بنابراین مهم‌ترین مسئله برای ما تقوا است.» (همان، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱، ص ۱۴۱ و ۱۴۲).

۲- رعایت عدالت و انصاف: «مطلبی که باید مورد توجه همه برادران کارگزار از دولت و مسئولان قضائی و همه بخش‌ها قرار گیرد، رعایت عدالت و انصاف در همه امور است. ما باید به سمتی برویم که برخلاف نظام طاغوت، امتیاز غلط و بی‌دلیل، حذف و ازاله شود و ان شاء الله همان عدل حقیقی اسلامی برقرار شود. قشرهای مظلوم و دورافتاده از مرکز و روستاییان و عشایر و کسانی که مشکلات بیشتری دارند، قطعاً باید در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرند و این اولویت، نه فقط در بخش اقتصادی که در انواع و اقسام خدمات فرهنگی نیز باید باشد.» (همان، ۶۸/۰۶/۰۸، ص ۲۴۳).



۳- اهتمام به مردم‌سالاری دینی: «امروز بهترین چیزی که ممکن است ما بتوانیم برای تصحیح اخلاق و رفتار و منش خودمان یعنی مسئولان کشور ملاک قرار دهیم، مردم‌سالاری دینی است، همین چیزی که بارها گفته‌ایم و تکرار شده است.» (همان، ۷۹/۰۹/۱۲، ص ۱۳۸).

۴- مبارزه با فساد و تبعیض: مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت می‌گویند: «مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست ... اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که اینجا نشسته‌ام، وجودم نامشروع خواهد بود ... ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم.» (همان، ۸۲/۰۶/۰۵، ص ۹۸).

۵- پرکاری و تلاش مؤمنانه: مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، با اشاره به الگو بودن شهیدان رجایی و باهنر، می‌فرماید: «حقاً شهید رجایی و شهید باهنر، هم همین جور بودند؛ مظهر کار و تلاش مؤمنانه و پایبندی بی‌اغماض به اصول. آنها در هر نقشی که حضور داشتند، همین پایبندی بدن اغماض به مبانی و ارزش‌ها را در جریان کار کشور اعمال و اجرا کردند.» (همان، ۸۹/۰۶/۰۸، ص ۱۷۸) همچنین خطاب به رئیس‌جمهور و وزیران می‌فرماید: «این را توجه داشته باشید که حرکت و تلاش، بایستی لحظه‌ای وقفه پیدا نکند. هیچ ساعتی از ساعات مفید زندگی من و شما، بایستی بدون کار مفید برای این مردم نگذرد.» (همان، ۶۹/۰۶/۰۱، ص ۱۹۱).

ب) ویژگی‌های سلبی کارگزاران دولت اسلامی

۱- عدم سرپیچی از وظیفه اصلی: «البته ما مسئولان باید به وظایف خود عمل کنیم، دولت و قوه قضائیه و مجلس باید به وظایف خود عمل کنند. هر کس امروز از وظیفه اصلی خود سرپیچی کند و خود را به کار دیگری مشغول و سرگرم سازد و از انجام وظیفه شانه خالی نماید، خیانت کرده است و دچار لعنت ابدی خواهد شد.» (همان، ۸۱/۰۳/۰۱، ص ۲۸).

۲- پرهیز از اشرافی‌گری و ثروت‌اندوزی: مقام معظم رهبری به‌طور مکرر خطر اشرافی‌گری، تجمل‌پرستی و به دنبال منافع شخصی بودن را به مسئولین دولت اسلامی گوشزد کرده است. در اینجا به نمونه‌ای از آن بسنده می‌شود. «ما مسئولان باید روح اسلامی را در خود زنده نگهداریم، روح اشرافی‌گری را دور بیندازیم و رشته سودجویی و ثروت طلبی و دنبال منافع شخصی دوییدن و تجمل‌پرستی و امثال اینها را از دست‌وپای خود بازکنیم. اگر گرفتاری‌های ما

در بخشی حل نشده است، علتش اینهاست، اینها را باید اصلاح کنیم.» (همان) ایشان خطاب به مسئولان و کارگزاران دولت اسلامی می گوید: «کمتر خرج کنیم، کمتر بذل و بخشش بی جا کنیم، کمتر به زندگی شخصی خودمان پردازییم.» (همان، ۷۰/۰۵/۲۳، ص ۱۲۶).

۳- پرهیز از کم کاری، رفیق بازی و خط بازی: «برادران و خواهران عزیز، این صراط برای من و شما خیلی حساس است. ما مسئولیم. ما با آدم های معمولی کوچه و بازار فرق داریم. ما چه نماینده مجلس باشیم، چه عضو دولت باشیم، چه مدیر فلان بخش نظامی باشیم، چه بخش قضائی باشیم، ... ما اگر کم کاری و کوتاهی کنیم، کشور ضرر می کند. ما اگر خدای نکرده از هوای نفس خود در تصمیم گیری ها پیروی کنیم، از رفیق بازی و خط بازی و عدم ملاحظه ارزش های حقیقی تبعیت کنیم، کشور صدمه می بیند. کار ما سخت است. ما بیشتر از دیگران باید به فکر جهنم و عبور از این صراط دشوار باشیم. این چند سال مسئولیت ابدی نیست.» (همان، ۸۳/۰۸/۰۶، ص ۱۷۲).

۴- عدم استفاده از امکانات دولتی و کم کردن مخارج دولت: «اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیرکل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسئول قضایی و فلان مسئول در بخش های گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر یکی از مخارج دولت این باشد که فلان تعداد ماشین جدید بیاوریم و بین دستگاه ها تقسیم بکنیم، ما حق نداریم این را جزو مخارج دولت حساب کنیم و به حساب آن از سوبسید [یارانه] مردم بزنیم. نه، این خلاف است. ... من الان اعلام می کنم و قبلاً هم نوشتم و این را گفتم که آن وقتی که آقایان امکانات شخصی دارند، حق ندارند از امکانات دولتی استفاده بکنند. اگر ماشین دارید، آن را سوار شوید و به وزارتخانه و محل کارتان بیایید، ماشین دولتی یعنی چه؟ و الله اگر من از طرف مردم مورد ملامت قرار نمی گرفتم که مرتب ملاحظه جهات امنیتی را توصیه می کنند، بنده با ماشین پیکان بیرون می آمدم. به حد ضرورت اکتفا کنید و اندازه نگه دارید.» (همان، ۷۰/۰۵/۲۳، ص ۱۲۷).

۲. ویژگی های نهادها و سازمان های دولت اسلامی

برخی از ویژگی هایی که در مورد کارگزاران دولت اسلامی بیان شد، مانند انجام وظیفه اصلی، کم خرج بودن، در مسیر عدالت بودن؛ به نوعی ویژگی های نهادها و سازمان های دولت اسلامی نیز محسوب می شوند. می توان مهم ترین خصوصیت نهادها و سازمان های دولت اسلامی از



دیدگاه مقام معظم رهبری را اجرای عدالت در همه ابعاد آن دانست. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «در این کشور باید با فقر و فساد و تبعیض مبارزه شود. علاج مشکلات این کشور این است که به‌طور جدی اجرای عدالت پیگیری شود، تبعیض برداشته شود؛ با فساد و فقر و عوامل فقر به‌طور واقعی مبارزه شود؛ این کارها، کارهای قوای سه‌گانه است؛ اعم از قوه مجریه و قوه مقننه و قوه قضائیه. البته مهم‌ترین بخش در اختیار قوه مجریه است.» (همان، ۸۳/۱۱/۱۰، ص ۲۵۳) باتوجه به دیدگاه‌های بیان شده از مقام معظم رهبری در زمینه علت فاعلی دولت، روشن می‌شود که از منظر ایشان کارگزاران و نهادها برای اینکه در تراز دولت اسلامی قرار بگیرند، باید از ویژگی‌های مثبت فراوانی برخوردار باشند.

۴. علت غایی دولت

در بحث از علت غایی به اهداف و وظایف دولت پرداخته می‌شود. هدف‌ها را می‌توان به کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تقسیم کرد. در دولت اسلامی هدف نهایی و طولانی‌مدت، رسیدن به قرب الهی است و دیگر اهداف و وظایف دولت اسلامی در راستای آن قرار می‌گیرند. اهداف کوتاه‌مدت به‌طور عمده به مسائل زودبازده و جاری جامعه مربوط می‌شود که قوانین آن توسط قوه مقننه تصویب و توسط قوه مجریه اجرا می‌شود و یا توسط قوه قضائیه اقدامات لازم صورت می‌پذیرد. شاید بتوان گفت اهداف و وظایفی که در مطالب پیش رو به آنها اشاره می‌شود به‌طور عمده اهداف متوسط محسوب می‌شوند، اگرچه با اهداف و وظایف کوتاه‌مدت نیز بی‌ارتباط نیستند. همچنین اهداف و وظایف دولت اسلامی را می‌توان به ایجابی و سلبی تقسیم کرد؛ ازاین‌روی در اینجا ابتدا به اهداف و وظایف دولت اسلامی در یک نگاه می‌پردازیم، بعد اهداف ایجابی دولت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری آورده می‌شود و سپس به اهداف سلبی نیز اشاره‌ای می‌گردد.

از دیدگاه مقام معظم رهبری، به‌طور کلی نیازهای مردم به دودسته مادی و معنوی تقسیم می‌شود. دولت اسلامی در مقابل هر دودسته نیاز، مسئولیت دارد و باید برای هرکدام از آنها اهدافی را مشخص کند و برای تحقق آنها بکوشد. ایشان در این زمینه می‌گوید: «مسئله نیازهای مادی مردم با نیازهای معنوی مردم، باید باهم دیده شود؛ یعنی دولت اسلامی فقط به شکم و مسکن و آسایش و آرامش ظاهری زندگی مردم اکتفا نمی‌کند، به اخلاق آنها، به

دین آنها، به صراط مستقیمی که جوان‌های آنها باید بروند، به آموزش و پرورش آنها، به رشد علمی آنها، به رشد دینی و تقوایی آنها اهمیت می‌دهد. این جور نیست که ما بگوییم آن دیگر کار دولت نیست؛ نه، دولت باید بسترهای لازم را برای سریان و جریان اندیشه درست و اخلاق فاضله در کشور به وجود بیاورد. این خود در عین اینکه یک کار فرهنگی است، یک کار سیاسی هم هست.» (همان، ۸۶/۰۴/۰۹، ص ۶۶) در این عبارات به روشنی تفاوت بین دولت اسلامی و دولت غیراسلامی در علت‌گذاری مشخص شده است.

الف) اهداف ایجابی دولت اسلامی

۱. ایجاد امنیت برای همه: امنیت مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه هر دولتی است، زیرا بدون آن، دیگر وظایف دولت تحقق نمی‌پذیرد. «امنیت دغدغه بسیار مهم این ملت است و باید دغدغه بسیار مهم دولت‌های ما و مسئولان ما باشد. از مهم‌ترین مسائلی که می‌تواند معیارهای مهمی را در اختیار ما بگذارد برای تعیین دولت آینده، مسئله امنیت است. امنیت، جزو اولین نیازهای این کشور است. باید آن کسانی که متصدی امور کشورند، معنای امنیت، اهمیت آن و راه‌های تحصیل امنیت برای این کشور را به درستی بدانند و بفهمند که امنیت برای کشور چقدر اهمیت دارد.» (همان، ۸۴/۰۲/۱۵، ص ۶۰) از دیدگاه ایشان دولت اسلامی وظیفه دارد که امنیت را برای همه تأمین کند. «البته یک دولت، برای گروه یا دون گروهی فکر نمی‌کند. امنیت برای همه است. فرقی هم نمی‌کند که آن همه‌ای که ما می‌گوییم، جزو مخلصان دولت باشند یا نباشند. ولو آنهایی که مخلص دولت هم نیستند، باید امنیت داشته باشند.» (همان، ۷۶/۰۶/۰۲، ص ۸۹) از منظر ایشان، دولت اسلامی باید به امنیت در همه زمینه‌ها توجه داشته باشد. بدین‌جهت در ابلاغ سیاست‌های کلی نظام توسط رهبری، در امور امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات در بند هفت آمده است: «تعیین نهاد متولی و هماهنگ‌کننده زیر نظر دولت به منظور هدایت، نظارت و تدوین استانداردهای لازم برای حفظ و توسعه امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات و تهیه پیش‌نویس قوانین مورد نیاز.» (همان، ۸۹/۱۱/۲۹، ص ۳۸۰).

۲. ایجاد رفاه عمومی: آنچه در اندیشه مقام معظم رهبری به عنوان اهداف دولت اسلامی ترسیم شده است، رفاه و آبادی عمومی به‌ویژه برای طبقات ضعیف است. این هدف با دولت رفاهی به معنای غربی آن متفاوت است. ایشان در این زمینه می‌گویند: «دولت لایق



و خدمتگزاری هم که خدا متعال در حق این ملت تفضل کرده است و امروز زمام اداره این کشور را در دست دارد، ان شاء الله روزبه روز مملکت را به سمت رفاه و آبادی و استحکام بیشتر پیش خواهند برد که همین، منظور و مقصود اهداف اسلامی است.» (همان، ۶۹/۱۰/۱۹، ص ۳۹۲) ایشان با تأکید بر «حرکت به سوی رفاه و کمال دنیایی و آخرتی و مادی و معنوی» (همان، ۷۵/۱۰/۱۹، ص ۱۴۸) خواستار برنامه ریزی دولت در این زمینه است. «دولت محترم و خدمتگزار با برنامه ریزی صحیح، به همان کیفیتی که در سند چشم انداز بیست ساله تصویب شده و سیاست هایی که اعلام شده است - که جهت این سیاست ها هم عدالت، رفاه عمومی و توسعه علمی و فنی و همه جانبه و عدالت محور است - در این جهت حرکت کند.» (همان، ۸۴/۵/۱۲، ص ۱۳۷) از دیدگاه ایشان سمت و سوی فعالیت های رفاهی دولت باید به دنبال ایجاد گشایش در درآمد همه مردم به خصوص طبقات ضعیف باشد. «با سیاست های اصل ۴۴ که ابلاغ شد و دولت هم مجدانه دنبال این است که اینها را تحقق ببخشد و باید هم دنبال کند ... طوری بشود که منابع درآمدی آحاد مردم، به خصوص طبقات ضعیف، متنوع شود، مردم بتوانند گشایشی پیدا کنند، این یک گام بلند در راه رفاه عمومی است.» (همان، ۸۶/۰۱/۰۱، ص ۵).

۳. هدایت فرهنگی: از دیدگاه مقام معظم رهبری، دولت اسلامی در برابر مسائل فرهنگی به عنوان نیاز معنوی جامعه، وظیفه هدایت و راهنمایی را به عهده دارد. «آیا ما به عنوان دولت اسلامی می توانیم هدایت فرهنگی جامعه خودمان را رها کنیم؟ قطعاً نه، جزو وظایف ماست.» (همان، ۸۸/۰۶/۱۸، ص ۱۴۲).

۴. گسترش علم و آزاداندیشی: «وظیفه حتمی دیگر دولت اسلامی، گسترش علم و دانایی است، چون دولت اسلامی بدون گسترش علم و دانایی به جایی نخواهد رسید. گسترش آزاداندیشی هم مهم است. واقعاً انسان ها باید بتوانند در یک فضای آزاد فکر کنند. آزادی بیان تابعی از آزادی فکر است.» (همان، ۸۴/۰۶/۰۸، ص ۱۵۸).

ب) اهداف سلبی دولت اسلامی

وظایف و اهداف سلبی، به اموری اشاره دارد که نباید دولت اسلامی به آنها اشتغال داشته باشد و یا آنها را مقصد فعالیت های خود قرار دهد. درواقع آسیب ها و آفت هایی هستند که ممکن است دولت اسلامی دچار آنها شود. می توان نقطه مقابل اهداف ایجابی را جزء

اهداف سلبی به شمار آورد. مقام معظم رهبری در این زمینه و در مقام آسیب شناسی دولت اسلامی بیان می‌دارد: «اما دولت اسلامی‌ای که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت، تأمین کند؛ دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است. در تعالیم امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه، همه اینها وجود دارد.» (همان، ۸۴/۰۵/۲۸، ص ۱۴۵) به هر ترتیب می‌توان گفت در زمینه علت غایی دولت از منظر مقام معظم رهبری، اهداف و وظایفی ایجابی و سلبی متناسب با اسلامی بودن دولت ترسیم شده است. این اهداف به نیازهای مادی و معنوی افراد و جامعه توأمان نظر دارد.

جمع‌بندی

در این مقاله دولت تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری بررسی شد. باتوجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت از دیدگاه ایشان واژه دولت بیشتر به معنای عام به کار رفته است. دولت به معنای عام شامل همه نیروها، نهادها و قوای سه‌گانه می‌شود و در پاسخ به سؤال اصلی بر مبنای الگوی علل اربعه نتایج زیر به دست آمد:

۱. علت مادی دولت: منظور از علت مادی، مواد و منابعی است که در ایجاد دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد. از منظر ایشان، مواد ایجادکننده دولت را تعالیم، موازین و ضوابط شرعی تشکیل می‌دهد و دولت اسلامی را مطرح می‌کند. در این زمینه به اسلامی بودن دولت و اسلامی شدن قوای انسانی توجه می‌نماید.

۲. علت صوری دولت: منظور از علت صوری، انواع و اشکال دولت است. ایشان در این زمینه به مکانیکی و حداقلی بودن دولت قائل هستند. مکانیکی بودن بدین معنا که دولت مصنوع انسان و ابزاری برای رسیدن به اهداف اوست و حداقلی بودن به این معناست که دولت باید کوچک باشد و به مدیریت، نظارت و امور راهبردی جامعه بپردازد و نباید عهده‌دار وظایفی برای افراد شود که خود می‌توانند، انجام دهند.

۳. علت فاعلی دولت: در علت فاعلی از شرایط و خصوصیات کارگزاران و نهادهایی بحث می‌شود که ایجاد دولت و انجام امور آن را به عهده دارند. از منظر مقام معظم رهبری،

ویژگی‌های کارگزاران دولت اسلامی به دو بخش ایجابی و سلبی تقسیم می‌شود. ایشان در بخش ایجابی بر برخورداری از تقوا، رعایت عدالت، اهتمام به مردم‌سالاری و پرکاری و تلاش مؤمنانه تأکید دارند. در بخش سلبی؛ عدم سرپیچی از وظیفه اصلی، اجتناب از اشرافی‌گری، پرهیز از رفیق‌بازی و خط بازی و عدم استفاده از امکانات دولتی را مطرح می‌کنند. همچنین در زمینه ویژگی‌ها و شرایط نهادها و سازمان‌های دولت اسلامی بر اجرای عدالت، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض تأکید دارند.

۴. علت غایی دولت: در علت غایی از اهداف و وظایف دولت اسلامی بحث می‌شود. از منظر ایشان اهداف و وظایف دولت اسلامی، باتوجه به نیازهای مادی و معنوی انسان و از دو جنبه ایجابی و سلبی ترسیم می‌شود. در جنبه ایجابی بر امنیت برای همه، رفاه عمومی، هدایت فرهنگی و گسترش علم و آزاداندیشی تأکید می‌کنند. در جنبه سلبی، در مقام آسیب‌شناسی دولت اسلامی، عدم پرداختن به اشرافی‌گری، حیف و میل بیت‌المال و ویژه خواری را مطرح می‌نمایند.

به نظر می‌رسد دیدگاه‌های مقام‌معظم‌رهبری در زمینه دولت از انسجام و هماهنگی لازم برخوردار است و دولت تراز انقلاب اسلامی از منظر ایشان «دولت اسلامی» است. در صورت عمل تام به نظرات ایشان، دولت اسلامی به معنای واقعی و به‌طور کامل تحقق می‌یابد و انقلاب اسلامی از مرحله سوم سلسله اهداف خود گذر می‌کند و در این میان کارگزاران جمهوری اسلامی مسئولیت مهمی را به عهده‌دارند که تبیین مسئولیت و وظایف آنها تحقیق دیگری را می‌طلبد.



فهرست منابع

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ ششم، تهران: مروارید، ۱۳۸۰.
۲. اوزر، آتیلا، دولت در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۹.
۳. برزگر، ابراهیم، تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، چاپ دوم، تهران: سمت، ۱۳۸۵.
۴. توحیدفام، محمد، دولت و دموکراسی در عصر جهانی شدن: سیری در اندیشه‌های سیاسی معاصر غرب (نظریه‌های دولت و دموکراسی)، تهران: روزنه، ۱۳۸۱.
۵. حسینی‌خامنه‌ای، سیدعلی، نرم‌افزار حدیث‌ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام‌معظم‌رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی)، مرکز کامپیوتری نور، ۱۳۹۴.
۶. عام، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، چاپ پنجم، تهران: نی، ۱۳۷۸.
۷. لک‌زایی، نجف، «فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ع)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم، ۱۳۸۹، ص ۲۸۵.
۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۶، تهران: صدرا، ۱۳۷۴.